

آزاده قوام طراح هنری:

طبق واقعیت های دهه شصت طراحی لباس را انجام دادم

یکی از چالش های فیلم تاریخی نزدیکی و مطابق فضا و نوع لباس شخصیتها با زمان رخداد داستان و قصه فیلم است و در این نوع آثار طراحان کار دشوار و پر چالشی را پیش رو دارند. آزاده قوام یکی از طراحان هنری با سابقه و معتبر سینما و تلویزیون است که در جشنواره امسال فیلم فجر با فیلم «پرویز خان» حضور موفقی در جشنواره داشت و جزو کاندیداهای این بخش بود.

فیلم «پرویز خان» اولین تجربه سازنده اش است. بر اساس چه معیاری هایی حضور در این فیلم را پذیرفتید؟

مهم ترین ملاکم برای قبول حضور در این فیلم؛ فیلمنامه اش بود و موقعی که آن را خواندم متوجه در چه یک و خوب بودنش شدم و یکی از بهترین فیلمنامه هایی بود که در چند سال اخیر خوانده بودم. فیلمنامه ای که با دقت و بدون نقص نوشته شده بود.

آیا قبل از حضور در فیلم از پرویز دهداری شناختی داشتید؟

نه، زیاد فوتبالی نیستم و بعد از خواندن فیلمنامه و جذابیتش باعث شد که بروم و تحقیقات زیادی درباره شخصیت پرویز دهداری داشته باشم و متوجه شدم چقدر مرد بزرگ و آدم حسابی است و به چه میزان در فوتبال ایران اثر گذار و جریان ساز بوده است و چقدر خوب شد که در باره اش فیلمی ساخته شده و نسل جوان هم با افکار، نوع برخورد و منشش درباره فلسفه فوتبال آشنا شوند.

موقعی که با کارگردان جوان فیلم صحبت کردید آیا آن انتظاری را که از یک فیلمساز فیلم اولی داشتید پاسخگو بود؟

به نظرم آقای ثقفی در کارش مسلط بود و توانست به خوبی این فیلم پر شخصیت و پر بازیگر را هدایت و مدیریت کند. البته در حین کار چند باری به گریه افتادم.

به چه دلیل گریه کردید؟

زیرا در طول کار با کارگردان چالش داشتم و چون فیلم اولش بود حساسیت های خاصی داشت و سخت اعتماد می کرد و دوست داشت فقط آن چیزی که در ذهنش است پیاده و اجرایی شود.

ذهنیتی که شاید در برخی از موارد درست هم نباشد؟

بله، مدتها زمان برد تا در کار به یک نقطه نظر مشترک برسیم. بعد از اتمام کار و دیدن فیلم از ماحصل کار راضی بودم و فیلم درست و با شخصیتی ساخته شد.

وجود این چالش ها و تضارب آرا در گروه فیلمسازی موقعی که بین کارگردان و عوامل رخ می دهد به بهتر شدن کیفیت کار کمک می کند؟

بله، چالش های بین ما از نوع مثبتش بود و یک پیش تولید کامل و طولانی داشتیم و خوشبختانه با حرف زدن در پیش تولید بیشتر این چالش ها حل شد و حضور وحید ابراهیمی مدیر فیلمبرداری فیلم تصاویر بسیار چشم نواز و درجه یکی خلق کرد و در جلسات هماهنگی درباره نور و رنگها صحبت های خوبی انجام دادیم و یکی از نقاط قوت فیلم فیلمبرداری آن است و در بحث لباس به من کمک های زیادی کرد و برای رنگ لباس ها با ایشان برای بهتر شدن کیفیت کار همفکری می کردیم.

برای یک طراح، طراحی لباس فیلم های پر تره چه ویژگی هایی دارد؟

نمی شود گفت سخت تر و یا آسان تر است. راحتی اش این است که با یک تعداد مستندات روبه رو هستیم و باید بر اساس این مستندات طراحی لباس را اجرایی کنیم. صحبتی که با کارگردان درباره لباس پرویز دهداری داشتیم بر این نکته تاکید شد که عین لباس واقعی اش طراحی کنیم و برای همین جلساتی با دختر پرویز دهداری برگزار کردیم و در کنارش جلساتی با فدراسیون فوتبال هم داشتیم و تعداد زیادی فیلم و عکس از پرویز دهداری در اختیارمان قرار گرفت و در ضمن از کلاه معروف ایشان هم استفاده کردیم.

کلاهی که نماد صلابت و اقتدار دهداری است؟

بله و تلاش کردیم نوع مدل کت و شلوار طبق الگوی دهه شصتی طراحی بشود.

چالشی که خیلی از طراحان هنری با آن مواجه هستند بحث مسائل اقتصادی است که تهیه کنندگان می خواهند که با حداقل بودجه طراح کارش را انجام بدهد. برای شما این مسئله چگونه وجود دارد؟

انصافا آقای عطا پناهی تهیه کننده پرویز خان اصلا چنین خواسته ای نداشت و آقای زنجانی مدیر تولید فیلم هم کمال همکاری را با من انجام داد و اصلا محدودیتی قائل نشدند و آن چیزی که نیاز داشتیم تهیه و در اختیار ما قرار دادند.



زاویه پیدا کردن بازیکنان با وطنخواه اطلاع داشت و طرف وطنخواه را می گیرد؟

روایتها متفاوت است و مرتضی فنونی زاده و حمید درخشان روایت دیگری را بیان کرده اند و اغلب عنوان کردند که با دسیپلین دهداری مشکل داشتند.

رضا وطنخواه بر خلاف ظاهر پر هیبت و پر ابهت دهداری شخصیتی عادی و معمولی دارد و آیا این نداشتن کاربزمای شخصیتی وطنخواه بازی شما را دشوار نمی کرد؟

خودم به خصوص در دوران نوجوانی فوتبالی بودم و در زمان قضیه استعفای بازیکنان دوازده سالم بود و چیزهایی به یاد دارم و بیشتر نام مربیان و بازیکنان را می شناختم تا کمک مربی ها. پرویز دهداری به چشم من نوجوان، یک مربی کاریزماتیک و با ابهتی بود. در هر شغلی مثل فوتبال و فیلمسازی دستیارانی کار می کنند که قرار نیست هم وزن مربی و یا کارگردان باشند و آدم های کاریزماتیکی به نظر برسند و بیشتر ضربه گیرهای تیم هستند و تنش های موجود به اینها منتقل می شود و شاید برای همین دلیل روشن است که این انگه با وطنخواه الصاق شده است. شغل هایی که در عین سخت بودنشان زیاد هم به چشم نمی آیند.

با این تعاریف شما برای ایفای نقش وطنخواه قدرت مانور زیادی نداشتید؟

اینجوری به قضیه نگاه نمی کنم. همه پلانها برایم به یک اندازه ارزشمند است. زیرا نمی دانم که مخاطب فیلم از کدام پلان و بازی من خوشش خواهد آمد. کنار پرویز پورصمیمی بودن فرصت زیبا و خوبی بود.

آیا با پورصمیمی بده و بستان های بازیگری هم شکل گرفت؟

بله، همه تلاشم را انجام دادم تا کارم درست باشد. البته باید در نظر داشته باشیم فیلم «پرویز خان» درباره پرویز دهداری است و نه رضا وطنخواه.

«پرویز خان» از معدود فیلمهای ورزشی است که صحنه های فوتبالی اش درست از کار در آمده است؟

نمونه های خارجی فیلمهای ورزشی را که می بینیم خیلی با فوتبال بازی کردن واقعی تفاوت دارد و نشان دادن یک بازی فوتبال در قاب سینما کار سختی است.

شخصیت هایی که بازی می کنم قضاوتی انجام نمی دهم. حتی بدترین آدم ها که شنیع ترین اعمال را انجام می دهند خودشان را آدم بدی نمی دانند و درباره کارشان توجیه دارند و قبول ندارند که کار بدی انجام می دهند. در تقابل بین شخصیتها است که مخاطب می تواند در باره خوبی و یا بدیشان نتیجه گیری کند.

بازی در فیلمهای اجتماعی پر تره با بازی در سایر گونه های اجتماعی چه تفاوت هایی دارد؟

تلاش کردم تا حد متعادلی به سمت شبیه سازی نقشی که ایفا می کنم با نمونه واقعی اش بروم. در «پرویز خان» نقش رضا وطنخواه مربی اسبق تیم های ملی و بازیکن پرسپولیس را بازی کردم. در شروع تمرینات ویدیو هایی از ایشان را دیدم و تلاش کردم در مدل صحبت کردن چهل درصدی به نوع گفتارشان نزدیک شوم و درباره بقیه کار به فیلمنامه اعتماد کردم و در نوشتن فیلمنامه نویسنده تا حد زیادی به واقعیت وفادار بود و جاهایی کار را دراماتیزه کرد و طبق نظر و خواسته کارگردان کارم را انجام دادم.

بعد از پخش فیلم در جشنواره فیلم فجر ناصر محمدخانی مهمان برنامه جام رویایی پژمان باغی بود و اشاره کرد ما بازیکنان مستعفی تیم ملی مشکلی با پرویز دهداری نداشتیم و مشکلمان با رضا وطنخواه و کارهایش بود. اما در فیلم این مسئله دیده نمی شود؟

در این باره من باید طبق فیلمنامه بازی می کردم و سوالی که مطرح کردید بیشتر به نویسنده و کارگردان ارتباط دارد. در این قضیه چیز قطعی و مستندی وجود ندارد و بر اساس ادعاها و حرف های گاه و بیگاه بازیکنان آن دوران مستعفی از تیم ملی شکل گرفته است. همیشه به ارائه ویژگی شخصیت خاکستری (نه مثبت صرف و نه منفی صرف) در بازی ام اعتقاد دارم و در این نقش هم همین شیوه را به کار بردم. موقعی که بحث بازی های ملی در میان است همه آدمها چه مثبت و چه منفی و چه فرمز و آبی همه در یک صف قرار می گیرند. اگر به پرویز دهداری اعتماد کنیم او از تیمش شناخت کافی داشته و خوبها را انتخاب کرده و انتخاب وطنخواه به عنوان دستیار تابع چنین رویه ای بود و شناخت کافی از رضا وطنخواه داشته و اگر هر مشکلی وجود داشته بابت زاویه پیدا کردن بازیکنان با وطنخواه ایشان اولین نفری بود که مطلع می شد. ناصر محمدخانی در برنامه اشاره کرد که دهداری از این